

## ✓ داستان آن چهار نفر در سازمان

### پیام اداری هفته

هفته نامه الکترونیک کلامی از جادوی مدیریت



شنبه (۹۴/۵/۳۱)

سه شنبه

جمعه (۹۴/۶/۶)

شماره پیام : ۱۴۵

سال سوم - سری ت

کد پیام : ۲۵/ت

یکی بود یکی نبود . در سازمانی چهار نفر اشخاص به نامهای **کسی ، هرکسی ، همه کس و هیچکس** بودند .  
یک کار مهم بایستی در آن سازمان انجام می شد . از همه خواسته شد تا آن کار را انجام دهد .  
**همه** مطمئن بود که **کسی** آن را انجام خواهد داد . **هرکسی** هم می توانست آن را انجام دهد ولی با کمال  
تعجب **هیچکس** آنرا انجام نداد !!! **کسی** در این مورد عصبانی شد، زیرا اعتقاد داشت آن کار وظیفه  
**همه** بوده است . شخص همه فکر می کرد که هرکسی می تواند آنرا انجام دهد اما متأسفانه هیچکس  
نفهمید که همه آنرا انجام نخواهد داد . فکر میکنید عاقبت کار چه شد؟ نتیجه این شد :  
زمانی که هیچکس آنچه را که هرکسی می توانست انجام بدهد انجام نداد ؛  
آنوقت همه ، شخصیت کسی را توبیخ و سرزنش نمود.

❖ جمعبندی و نتیجه گیری :

اگر در انجام کارها همه منتظر باشیم تا کسی کاری را انجام دهد ، مطمئن باشید هیچ کاری توسط  
هیچکس انجام نخواهد شد . فلذا بهتر است پس از تفویض اختیار مناسب و تقسیم کارها و شرح وظایف  
آنگاه همه بالاتفاق خود را مسئول تعالی ، پیشرفت و ارتقاء سازمان خود بدانیم .